



هم کلاسی
Hamkelasi.ir

معنی لغت‌های مهم درس

غنیمت شمردن:	سود بردن از چیزی، استفاده کردن	پیامد:	نتیجه
امیر:	حاکم، فرمانروا	حقیر:	خوار، کوچک
خادم:	خدمتگزار، مستخدم	اندیشه مدار:	نترس
خلد:	بهشت، دوام، بقا	دفع شود:	دور شود
ناگوار:	ناخوشایند	سیرت:	خلق و خو، روش
توبره:	کیسه بزرگ	از بهر:	برای
تکبر:	بزرگی نمودن، غرور	روضه:	باغ، گلزار
مشتاق:	آرزومند	شکوه‌مند:	باشکوه، با عظمت
سیما:	چهره	سعادت:	خوشبختی

معنی عبارت‌های مهم متن درس

طنین دلنشین کلام ایشان، فراتر از جغرافیای فرهنگی تاریخ بشری است و جان‌های پاک، پیوسته مشتاق شنیدن آن هستند. پیام و آهنگ زیبا و دل انگیز سخنان پیامبر(ص)، بسیار گسترده‌تر و فراتر از محدوده فرهنگ‌های تاریخ بشری است و وجود تمام انسان‌های پاک، همواره و همیشه علاقه مند شنیدن آن پیام‌ها و سخنان ناب است.

پیام پیامبر(ص)، گنجینه و آبخوری است که انسانیت، همواره برای تازگی و شکوفایی و شکوه‌مندی خود بدان، نیازمند است. پیام‌ها و سخنان پیامبر(ص) هم چون گنج با ارزش و سرچشمه‌ای است که انسان‌های صالح و درستکار همواره برای تازگی، شادابی، بزرگی و شکوه خود به آنها نیازمند هستند.

ای ابوذر، خداوند متعال به سیمای ظاهر و دارایی‌ها و گفته‌هایتان نمی‌نگرد؛ بلکه به دل‌ها و کردارتان می‌نگرد. ای ابوذر! خداوند بلند مرتبه به زیبایی و چهره ظاهری و اموال و سخنان شما توجه نمی‌کند، بلکه به اعمال و رفتار و باطن قلبتان توجه می‌کند.

ای ابوذر، اگر درباره چیزی که به آن علم نداری، از تو پرسیده شود، بگو نمی‌دانم تا از پیامدهای ناگوار آن در امان بمانی. ای ابوذر، اگر درباره چیزی که علم و شناخت نداری از تو پرسش شود، بگو که پاسخ آن را نمی‌دانم تا از اتفاقات و حوادث ناخوشایند آن در امان و آسوده باشی.

ای ابوذر، به اندازه نیاز، سخن بگوی. گشاده روی و خندان باش که خدای تعالی، گشاده روی و آسان گیر را دوست دارد. ای ابوذر، سخنان بیهوده و نادرست را نگو و به اندازه نیاز خود، حرف بزن و همیشه خندان و شاداب باش. زیرا خدای بلند مرتبه، انسان خندان و با گذشت را دوست دارد.

مثل مؤمنان، جمله چون یک تن است؛ چون یک اندام را رنجی رسد، همه اندام‌ها آگاهی یابند و رنجور شوند. مثل مومنان، همگی مثل اندام یک بدن است، وقتی به یکی از اندام آسیب و رنجی برسد تمام اندام‌ها با خبر می‌شوند و رنجور و ناراحت می‌شوند.

خود ارزیابی

سوال ۱: منظور از جمله «خداوند به دل‌ها و کردارتان می‌نگرد» چیست؟ خدا از همه کارها خبر دارد و برای خدای بزرگ نیت و عمل بندگان بسیار مهم است نه ظاهر کار، چه بسا کارهایی که ظاهر خوبی دارند اما در نیت برای خدا نیستند. فقط ظاهرشان برای خداست.

سوال ۲: این درس را با درس پنجم (آداب زندگانی) مقایسه کنید و شباهت‌های آن را توضیح دهید.
در هر دو به برخی از عادات و آداب مهم زندگی اشاره دارند و از موارد مشترک و شبیه به هم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
(۱) گشاده رویی و کم سخن بودن (۲) کمک به هم‌نوع در مشکلات و رنج‌ها
(۳) انتخاب هم نشین خوب (۴) درباره چیزی که علم نداری، حرف نزن.

سوال ۳: بیت زیر با کدام بخش درس، ارتباط دارد؟
کمال است در نفس انسان، سخن تو خود را به گفتار، ناقص مکن
ای ابوذر، اگر درباره چیزی که به آن علم نداری، از تو پرسیده شود، بگو نمی‌دانم تا از پیامدهای ناگوار آن در امان بمانی. ای ابوذر، به اندازه نیاز سخن بگو.

سوال ۴: از کدام قسمت درس بیشتر خوشتان آمد و لذت بردید؟ ای ابوذر، اگر درباره چیزی که به آن علم نداری، از تو پرسیده شود، بگو نمی‌دانم تا از پیامدهای ناگوار آن در امان بمانی

گفت و گو

سوال ۱: از رفتارهای پسندیده ای که در این درس خوانده اید، کدام رفتارها در مدرسه، کاربرد بیشتری دارد؟ توجه کردن به باطن افراد و انتخاب دوستان خوب که رفتار آنها در رفتار ما تأثیر می‌گذارد و سنجیده حرف زدن، کم حرف زدن، خوب حرف زدن، انتخاب هم نشین و دوستان خوب، گشاده رویی، قهر کردن، رهایی از کار بد و گناه، کمک به هم‌نوع در بیماری‌ها و مشکلات

سوال ۲: هر گروه برای یکی از موضوع‌های رفتاری درس، داستان، خاطره یا حکایتی مناسب به کلاس عرضه کند. موضوع خود را انتخاب کنید و بر اساس موضوع انتخاب شده، داستان یا حکایتی بیابید. از بزرگ‌ترها بپرسید و یادداشت کنید و یا خودتان داستانی مربوط به موضوع‌های مطرح شده بنویسید.

نوشتن

سوال ۱: مترادف واژه‌های زیر را در متن درس بیابید و بنویسید.

خوشبختی		سعادت
طنین		آواز
بهره بردن		غنیمت شمردن
متعال		بلند مرتبه
آرزومند		مشتاق
علم		دانش

سوال ۲: مانند نمونه، جدول زیر را کامل کنید.

ماضی ساده	ماضی استمراری	ماضی مستمر	ماضی بعید	ماضی التزامی	ماضی نقلی
اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
خواندم	می خواندی	داشت می خواند	خوانده بودم	خوانده باشید	خوانده اند
گفتم	می گفتی	داشت می گفت	گفته بودیم	گفته باشید	گفته اند
شنیدم	می شنیدی	داشت می شنید	شنیده بودیم	شنیده باشید	شنیده اند
دیدم	می دیدی	داشت می دید	دیده بودیم	دیده باشید	دیده اند
گرفتم	می گرفتی	داشت می گرفت	گرفته بودیم	گرفته باشید	گرفته اند
آوردم	می آوردی	داشت می آورد	آورده بودیم	آورده باشید	آورده اند

سوال ۳: با توجه به متن، گاهی اوقات تنهایی پسندیده است، در این باره، دو بند بنویسید.

به تأثیر دوست و هم نشین بد اشاره دارد که اگر انسان هم نشین خوب داشته باشد از تنهایی بهتر است و اگر هم نشین بد داشته باشد تنهایی از آن هم نشین، بهتر است. پس اگر انسان هم نشین بدی داشته باشد، تنها باشد بهتر است.

معنی عبارت های حکایت سیرت سلمان

سلمان فارسی بر لشکری امیر بود. در میان رعایا چنان حقیر می نمود که وقتی خادمی به وی رسید، گفت: این توبره کاه، بردار و به لشکرگاه سلمان بر.

سلمان فارسی امیر و فرمانده لشکری بود. در میان مردم آن چنان خود را کوچک و حقیر نشان می داد که یک وقت یک خادم به او رسید، گفت: «این کیسه بزرگ کاه را بردار و به لشکرگاه سلمان ببر.»

چون به لشکرگاه رسید، مردم گفتند: امیر است. آن خادم بترسید و در قدم وی افتاد. وقتی به لشکرگاه رسید، مردم به او گفتند: آن فرد، همان امیر است. آن خادم ترسید و به دست و پای سلمان افتاد.

سلمان گفت: به سه وجه، این کار را از برای خودم کردم، نه از بهر تو، هیچ اندیشه مدار.

سلمان گفت: به سه دلیل، این کار را برای خودم انجام دادم، نه برای تو، هیچ نترس (نارحت نباش)

اول آنکه تکبر از من دفع شود؛ دوم آنکه دل تو، خوش شود؛ سوم آنکه از عهده حفظ رعیت، بیرون آمده باشم.

اول آنکه تکبر و خودبینی از من دور شود؛ دوم آنکه دل تو خوش شود و خوشحال و بانشاط شوی سوم آنکه از عهده حفظ مردم و زیر دست خود سربلند بیرون آمده باشم.

معنی لغت‌های مهم درس

ظرافت:	زیرکی، مهارت، خوش زمانی	رخصت:	اجازه، دستور دادن
طراوت:	تازگی، شادابی، تر و تازه بودن	غریبی:	غریب و ناآشنا بودن
سرآمد:	به پایان رسید، تمام شد	خراسان:	محل برآمد خورشید (خور+آسان)
میلاد:	هنگام ولادت، روز تولد	خرقه:	لباس، جامه عارفان و درویشان
می‌کشان:	باده نوشان، می‌خوران	آوا:	صدا، آهنگ
بازگو کردن:	تکرار کردن سخنی	عیش:	خوشی
منجی:	نجات بخش، نجات دهنده	هشدار:	به هوش باش، آگاه باش
هزار:	بلبل، عندلیب	تف:	حرارت گرمی، روشنی، پرتو، نور

معنی ابیات شعر آشنای غریبان

چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند	موج‌های پریشان تو را می‌شناسند
تمام اجزای هستی، حتی چشمه‌های پر جوش و خروش و موج‌های آشفته، تو (امام رضاع) را می‌شناسند.	
پرسشِ تشنگی را تو آبی، جوابی	ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند
همان طور که آب در بیابان برای یک فرد تشنه حیاتی و ارزشمند است، وجود مقدس امام رضاع هم برای جویندگان حقیقت، مانند آب حیات است و اهل نظر و افراد خدانشناس همگی او را می‌شناسند.	
نام تو رخصت رویش است و طراوت	زین سبب برگ و باران، تو را می‌شناسد
نام تو اجازه روییدن و شادابی و شکوفایی است به همین علت تمام برگ‌ها، گیاهان و قطره‌های باران تو را می‌شناسند.	
هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی	هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند
همان طور که تمام گل‌ها (شهیدان) با هم آشنایی دارند. (به خاطر هدف مشترک) تمام شهیدان نیز با تو آشنایند، همان گونه که تو تمام شهیدان را می‌شناسی.	
اینک ای خوب! فصل غریبی سرآمد	چون تمام غریبان تو را می‌شناسند
اکنون ای امام خوب من، زمان غریب بودن و ناآشنایی به پایان رسید، زیرا تمام انسان‌های بیگانه و غریب تو را می‌شناسند.	
کاش من هم عبور تو را دیده بودم	کوچه‌های خراسان تو را می‌شناسد
ای کاش من هم در زمان شما حضور داشتم و وجود حقیقی شما را درک می‌کردم، کوچه‌های خراسان با تو آشنا هستند.	

معنی ابیات شعر میلاد گل

میلادِ گل و بهار جان آمد	برخیز که عید می‌کشان آمد
زمان ولادت حضرت مهدی (عج) فرا رسیده اس. گویی بهار جان بخش از راه رسید و جانها زنده شدند. پس از جای خود بلند شو، زیرا عید عارفان و عاشقان از راه رسیده است.	

خاموش مباش زیر این جرعه بر جهان جهان، دوباره جان آمد

در زیر این خرقة و آیین درویشی و عرفان، ساکت و گوشیه نشین نباش؛ زیرا با آمدن میلاد حضرت مهدی دوباره روح و جان تازه‌ای در جان مردم جهان به وجود آمده است.

گلزار ز عیش، لاله باران شد سلطان زمین و آسمان آمد

گلستان از شدت شادی و طرب پر از گل‌های لاله شده است، زیرا پادشاه زمین و آسمان از راه رسیده است.

آماده امر و نهی و فرمان باش هشدار که منجی جهان آمد

برای اجرای دستور و فرمان امام زمان (عج) آماده باش که نجات دهنده مردم و جهان و هستی متولد شد.

خود ارزیابی

سوال ۱: چرا شاعر می گوید: «فصل غریبی سرآمد؟» زیرا شاعر، مردم ایران را عاشق امام رضا(ع) می‌داند و می‌گوید که دیگر حرم ایشان در خراسان تنها و غریب نیست و هر سال چندین میلیون نفر از همه جا به زیارت ایشان نایل می‌شوند؛ پس فصل غریبی و تنهایی به پایان رسیده است.

سوال ۲: در شعر دوم، برای میلاد امام زمان (عج) چه توصیف هایی به کار رفته است؟

میلاد گل، بهار جان، عید می‌کشان، لاله باران شدن گلزار از عیش، آمدن سلطان زمین و آسمان، آمدن منجی جهان

سوال ۳: رهبران جامعه اسلامی، چه نقشی در هدایت مردم دارند؟

راهنمایی و هدایت مردم و بیدار کردن دل آنان، اتحاد ملی و انسجام اسلامی و...

سوال ۴: چگونه می‌توان به شناخت اولیای خدا دست یافت؟ با تفکر و تعقل در سیره و روش زندگی آنها و تدبر در سخنان حکمت آمیزشان.

گفت و گو

سوال ۱: درباره زندگی و فضایل امام رضا (ع) گفت‌وگو کنید. امام رضا(ع) فرزند امام موسی کاظم(ع) روز پنجشنبه یازدهم ذی القعدة سال ۱۴۸ هجری، شانزده روز پس از شهادت جد بزرگوارش، امام صادق(ع) در مدینه چشم به جهان گشود. نام مبارکش را علی گذاشتند. کنیه‌اش ابوالحسن و القابش رضا، صابر، رضی و وفی بود که مشهورترین آنها «رضا» است. پدر ایشان، موسی بن جعفر(ع) و مادرش کنیزی به نام «نجمه» بود که «تکتم»، «سمانه» و «ام البنین» نیز خوانده می‌شد. نجمه، کنیز «حیمده» مادر امام موسی کاظم(ع) بود و چون در عقل و دین داری مرتبه‌ای والا و در اخلاق و رفتار بر دیگر زنان برتری داشت، او را به پسرش امام کاظم(ع) بخشید.

امام رضا(ع)، پس از شهادت پدر بزرگوارش امام کاظم(ع) عهده دار مقام امامت شد.

سوال ۲: با مراجعه به دیوان «حافظ»، غزلی بیابید و درباره نوع ردیف آن بحث کنید.

وزو به عاشق بیدل خبر دریغ مدار

نسیم وصل ز مرغ سحر دریغ مدار

کنون که ماه تمامی نظر دریغ مدار

ز اهل معرفت این مختصر دریغ مدار

سخن بگوی و ز طوطی شکر دریغ مدار

صبا ز منزل جانان گذر دریغ مدار

به شکر آنکه شکفتی به کام بخت ای گل

حریف عشق تو بودم چو ماه نو بودی

جهان و هر چه در و هست سهل و مختصر است

کنون که چشمه‌ی قند است لعل نوشینت

مکــارم تــو به آفاق می برد شاعر
چو ذکر خیر طلب می کنی سخن این است
از و وظــیفه و زاد ســفر دریغ مدار
که در بهای سخن، سیم و زر دریغ مدار
غبار غم برود حال خوش شود حافظ
تو آب دیده ازین رهگذر دریغ مدار

ردیف این غزل «دریغ مدار» است. ترکیب واژه‌ها در کنار هم، علاوه بر زیبایی ظاهری و ایجاد آرایه ادبی، معنی و مفهوم بیت‌ها را نیز کامل کرده است. این ترکیب، یک ترکیب فعلی است. در زبان فارسی معمولاً فعل‌ها در انتهای جمله قرار می‌گیرند و حافظ به طرز استادانه‌ای این کار را در این غزل انجام داده است که فعل دریغ مدار، ردیف باشد و در پایان بیت‌ها قرار گیرد.

نوشتن

سوال ۱: هم خانواده‌ی واژه‌های «ترخیص، غربت، معابر، ولادت، اعیاد، معیشت، تسلط و نجات» را از متن درس بیابید و بنویسید. ترخیص رخست - غربت - غریب - معابر - عبور - ولادت - میلاد - اعیاد - عید - معیشت - عیش تسلط سلطان، مسلط - نجات - منجی

سوال ۲: در بیت‌های زیر، قافیه‌ها را مشخص کنید و نوع ردیف آنها را بنویسید.
خس را مگزين، مَهَل همجنس را
هی بیا با من، بران این خس را
خس و هم جنس: قافیه - را، ردیف - نوع ردیف: حرف
شد نَفَسِ آن دو سه هم سال او
تنگ‌تر از حادثه‌ی حال او
هم سال و حال: قافیه، او، ردیف - نوع ردیف: ضمیر

سوال ۳: ارتباط معنایی بیت زیر را با درس پیدا کنید و بنویسید.
آب زنیـد راه را هین که نگار می‌رسد
مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد
هر دو به ظهور امام زمان (عج) و آمدن منجی عالم بشریت اشاره دارند.

سوال ۴: جدول زیر را کامل کنید.

- ۱) دروازه‌ی آن در روان خوانی فصل پنجم آمده است. (آسمان)
- ۲) یکی از پیشوندها (با)
- ۳) مشق میان تهی (مق)
- ۴) نشانه‌ی مفعول (را)
- ۵) بخشی از نام فصل پنجم کتاب‌های فارسی (انقلاب اسلامی)
- ۶) اگر برعکس بخوانید، کتابتان با آن آغاز می‌شود. (شیاتس)
- ۷) مخالف آشنایی (دشمنی)
- ۸) دوستان (یاران)
- ۹) جهت (سو)
- ۱۰) نام یکی از سوره‌های قرآن که از آن به نام «قلب قرآن» یاد شده است. (یس)
- ۱۱) یکی از ضمایر (او)
- ۱۲) گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند / جوانان سعادت‌مند، پند پیر دانا را (نصیحت)

معنی لغت‌های مهم درس

فروغ:	پرتو، روشنایی	وینی:	بینی
متانت:	سنگینی در رفتار، وقار و استواری	تدبیر:	چاره اندیشی، پایان کار
تأمل:	اندیشیدن، فکر کردن	شعور:	آگاهی، ادراک
تلف کند:	نابود شدن، هلاک شدن	خلل:	تباهی، فساد، پراکندگی، تفرق
احوال:	حال‌ها، وضع‌ها، سرگذشت، کارو بار	مصلحت:	خیراندیشی
اندوهناک:	غمگین	بقا:	دوام، زندگی
تضرع:	زاری کردن، حالت دعا و التماس	تعالی:	بلند پایه، بلند مرتبه
حاجت:	نیاز	حیا:	خجالت، شرمساری
زیاده:	بسیار، افزون	شریف:	بزرگوار، شرافتمند، با اصل و نسب
آیو:	آید، بیاید	مطیع:	اطاعت کننده، فرمان بردار
شان:	مقام، رتبه، درجه	معاصی:	گناهان، جمع معصیت
جمع:	همگی، همگان، همه	خلقت:	آفرینش، فطرت
مساکین:	بینوایان، فقرا	صله رحم:	پیوند با خویشان، محبت به نزدیکان

معنی بیت‌ها و عبارت‌های مهم درس

جهان، جمله، فروغ روی حق دادن	حق اندر وی ز پیدایی است، پنهان
------------------------------	--------------------------------

همه جهان جلوه‌ای از نور الهی است. خدا آن قدر در آفریده‌ها جلوه کرده و آشکار است که ما از فرط آشکار بودن خدا نمی‌توانیم او را ببینیم.

ابتدا می‌کنم ای مفضل، به یاد کردن خلقت انسان. پس، عبرت گیر از آن
ای مفضل از یادآوری آفرینش انسان شروع می‌کنم. پس از آن عبرت بگیر.

تفکر کن ای مفضل، در همه اعضای بدن و تدبیر آنها که هر یک برای هدفی و حاجتی آفریده شده‌اند.
ای مفضل، درباره تمام اعضای بدن و تدبیر و اندیشه آنها فکر کن که هر یک از این اعضا برای هدف و نیازی آفریده شده‌اند.
بپرس از ایشان که آیا این طبیعت که شما می‌گویید، علم و قدرت دارد بر این کارها یا نه؟ اگر گویند که علم و قدرت دارد، پس به خدا قائل شده‌اند و او را «طبیعت» نام کرده‌اند؛ زیرا معلوم است که طبیعت را شعور و اراده نیست؛ و اگر گویند که طبیعت را علم و اراده نیست، پس معلوم است که این کارها از طبیعت بی‌شعور، صادر نمی‌شود.
از آنها که کار اعضای بدن را به طبیعت نسبت می‌دهند، بپرس که آیا این طبیعت که شما می‌گویید دانش و قدرت و توانایی به انجام این کارها را دارد یا خیر؟ اگر آنها جواب دهند که علم و قدرت انجام این کار را دارد پس به وجود خدا اقرار دارند و فقط ظاهراً آن را طبیعت نام نهاده‌اند، زیرا معلوم و آشکار است که برای طبیعت شعور و احساس و اراده‌ای وجود ندارد و اگر بگویند که برای طبیعت علم و اراده‌ای وجود ندارد پس معلوم می‌شود که این کارها از طبیعت بی‌شعور به وجود نمی‌آید.

برای آنکه حرارت در دل جمع نشود که آدمی را تلف کند.

برای آنکه دمای بدن و قلب بالا نرود و باعث از بین رفتن انسان نشود.

اگر از این قوه‌ها حافظه را نمی‌داشت، چگونه بود حال او و چه خلل‌ها داخل می‌شد در امور و زندگانی و کارهای او! اگر از نیروها حافظه را خلق نمی‌کرد، حال و روز انسان چگونه بود و چه آسیب‌هایی در زندگی به او می‌رسید.

پس، داده است خداوند علیم به آدمی آنچه صلاح دین و دنیای او در آنهاست و منع کرده است از آدمی، دانستن امری چند را که در شأن و طافت او نیست دانستن آنها خداوند آگاه آنچه را که صلاح دین و دنیای انسان در آن است، به او داده است و آنچه را که طاقت دانستن آن را ندارد، از دانستن آن منع کرده است.

زیرا که چون آدمی را احتیاج به آب، شدیدتر است از احتیاج به نان چون انسان به آب بیشتر از نان نیاز دارد.

اگر آدمی را هرگز دردی نمی‌رسید، به چه چیز ترک گناهان را و به چه چیز تواضع می‌کرد برای خدا و تضرع می‌کرد نزد او اگر انسان درد را احساس نمی‌کرد، چگونه گناهانش از بین می‌رفت و با چه ابزاری به درگاه خدا زاری می‌کرد و افتادگی می‌نمود.

به چه چیز مهربانی می‌کرد به مردم و صدقات می‌نمود به مساکین؟ نمی‌بینی کسی را که به دردی دچار شد، خضوع می‌کند و به درگاه خدا روی می‌آورد و طلب عافیت می‌کند و دست می‌گشاید به دادن صدقه؟ پس نمی‌بینی که حکیم علیم در هر امری، آنچه به عمل آورده، همه موافق حکمت است و راه خطا در آن نیست؟

با چه چیزی به مردم مهربانی می‌کرد و به بیچاره‌ها و مردم صدقه می‌داد؟ آیا نمی‌بینی کسی را که به یک دردی دچار می‌شود، فروتنی و خضوع می‌کند و به درگاه خداوند راز و نیاز می‌کند و از خدا رستگاری و تندرستی می‌خواهد و دستش را برای دادن صدقه و کمک باز می‌کنند؟ پس آیا نمی‌بینی که خداوند حکیم دانا در هر کاری، آنچه به وجود آورده و آفریده است همگی موافق و همراه حکمت و دانش است و هیچ راه خطا و اشتباهی در کارهای خدا وجود ندارد؟

پس من شاد و خوشحال برگشتم به آنچه از معرفت مرا حاصل شد و خدا را حمد کردم.

پس من شاد و خوشحال برگشتم و به خاطر آنچه از شناخت و آگاهی به دست آوردم، خدا را شکر کردم.

خودارزیابی

سوال ۱: پاسخ شخص گمراه به مفضل چه بود؟ اگر از شاگردان جعفر بن محمد (ع) هستی باید بدانی که او زیاده از این سخنان ما را شنیده و با متانت جواب گفته است، لذا تو هم شایسته با ما سخن بگو.

سوال ۲: این درس را با درس اول (آفرینش همه ...) مقایسه کنید و شباهت‌های آنها را بیان کنید.

هر دو وجود خدا و نبوت را بیان نموده‌اند. اینکه هر نعمتی که خدا به ما داده و آفریده است برای شکرگزاری است، نعمت‌هایی که ما را به عظمت و بزرگی خداوند رهنمون می‌سازد.

سوال ۳: چرا خداوند بزرگ، نعمت تفکر و اندیشیدن را به انسان‌ها بخشید؟

تا در آنچه آفریده اندیشه کنیم و به حکمت و هدف آفریده‌ها فکر کنیم. بیندیشیم که خداوند هر یک را برای چه کاری خلق کرده است. دربارهٔ نیروهایی که خداوند در وجود انسان خلق کرده و نعمت‌هایی مانند یادآوری، فراموشی و... فکر کنیم و تصور کنیم که اگر این آفریده‌ها نبودند چه اتفاقی می‌افتاد.

سوال ۴: اگر نعمت حیا را نداشتیم چه اتفاقی می‌افتاد؟ اگر حیا نبود، هیچ کس مهمانداری و وفای به عهد نمی‌کرد و کسی نیازها مردم را برآورده نمی‌کرد. مردم نیکی نمی‌کردند و از بدی‌ها نیز دوری نمی‌کردند. برخی از مردم اگر از یکدیگر شرم

نمی‌کردند حق پدر و مادر را نیز به جای نمی‌آوردند و صلحه رحم و احسان به خویشان نمی‌کردند و امانت‌های مردم را پس نمی‌دادند و ترک معاصی نمی‌کردند.

گفت و گو

سوال ۱: دربارهٔ صله رحم و احسان به خویشاوندان، با یکدیگر گفت و گو کنید. در اندیشه‌های اسلامی، حفظ و گسترش روابط فAMILI و ارتباط صمیمانه با خویشاوندان اهمیتی بسیار دارد تا آنجا که به فرمودهٔ پیامبر(ص) قطع رحم باعث قطع رحمت الهی می‌شود. در ضمن دیدار با خویشاوندان باعث انس و الفت بیشتر می‌شود. دوستی‌ها را پابرجا کینه‌ها را دور و تخم محبت در دلها می‌کارد.

سوال ۲: دربارهٔ آیات دو و سه سورهٔ «الرحمان»: «خداوند انسان را آفرید و به او نطق و بیان آموخت» بحث کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید.

این سوره که عروس قرآن لقب گرفته است انسان را مورد خطاب قرار داده است و نعمت‌های مادی و معنوی را برشمرده و فرموده که این نعمت‌ها را فراموش نکنید. در آیات دو و سه نیز خداوند به آموختن نطق و بیان و آفرینش انسان که از مهمترین نعمت‌های الهی هستند اشاره دارد. در واقع ابتدا به تعلیم قرآن که نخستین و مهم‌ترین نعمت است اشاره کرده و حتی آن را قبل از خلقت و آفرینش انسان آورده است.

نوشتن

سوال ۱: ده واژه را که ارزش املائی دارند، از متن درس بیابید و بنویسید. فروغ، در ضمن، مفضل، صلاح، شأن، تأمل، تضرع، معرفت، خضوع، تواضع، معاصی، جراحت و...

سوال ۲: جمله‌های زیر را بخوانید و قیده‌های آن را مشخص کنید.

الف) تو هم شایسته با ما سخن بگو. (ب) من فعلاً کاری ندارم.

ج) محمد چرا دیروز غایب بود (د) همایون دوباره برنده شد.

سوال ۳: بیت زیر را بخوانید و ارتباط آن را با متن درس، در یک بند بنویسید.

جهان چون زلف و خال و خط ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست

جهان نیز مثل اعضای بدن انسان است و اگر در آفرینش خود دقت کنیم، هر چیزی در جای خودش خوب است. مثلاً اگر چشم‌ها بالای سر قرار می‌گرفت و دهان روی شکم یا موارد دیگر چه اتفاقی می‌افتاد پس قطعاً خداوند به هر چیزی علیم و حکیم است.

معنی ابیات شعر خوانی بود «قدر تو افزون از ملایک»

دلی دیرم خـریدار محبت کز او گرم است بازار محبت

لباسی دوختم بر قـامت دل ز پودِ محنت و تار محبت

* خدایا، دلی دارم که خواستار و خواهان محبت است. و از این دل است که بازار محبت و دوستی گرم و پر رونق است.

* برای دلم لباسی به اندازه دوخته‌ام. لباسی که با تار و پود محبت بافته شده است.

بـوَد درد مـو و دمانـم از دوست

بـوَد درد مـو و دمانـم از دوست

جدا هـرگز نـگردد جانـم از دوست

اگر قـصابـم از تـن واکـره پـوست

* درد و درمان من هر دو از جانب معشوق (یار) است. وصل و دوری من نیز از معشوق (دوست) است.

* حتی اگر قصاب از تن من پوستم را جدا کند هرگز جانم از دوست جدا نمی‌شود.

بـدیدم قـبر دولـتمند و درویش

بـه قـبرستان گذر کردم کم و بیش

نـه دولـتمند برده یک کفن بیش

نـه درویش بـی کفن در خاک رفته

* کم و بیش در قبرستان گشتم و قبر ثروتمند و فقیر را دیدم.

* و فهمیدم که نه فقیر بی‌کفن در خاک دفن شده است نه ثروتمند بیشتر از یک کفن با خود برده است.

مطیع نفس و شیطانی چه حاصل

دلا غافل ز سبحانی چه حاصل

تو قدر خود نمی‌دانی چه حاصل

بـوَد قدر تو افزون از ملایک

* ای دل، چرا از خداوند پاک و منزّه بی‌خبری، از این بی‌خبری چه فایده‌ای می‌بری و از اینکه فرمانبر نفس اماره و شیطان

هستی، چه استفاده‌ای می‌بری؟

* ارزش انسان بالاتر از ارزش فرشته‌هاست. تو قدر و منزلت و ارزش خودت را نمی‌دانی، چه فایده‌ای دارد.

جـهان با این فـراخی، تنگ آیو

مکن کاری که بر پا، سنگت آیو

تو ویـنی نامۀ خود، ننگت آیو

چـو فردا نامـه خوانان نامـه خوانند

* کاری انجام نده که در مقابل پایت سنگ (مشکلا) به وجود آید و جهان با این وسعت و بزرگی برای تو تنگ و تاریک باشد.

* زمانی که در روز قیامت پرونده‌ات را بررسی می‌کنند و نامۀ اعمال را می‌خوانند، تو نامۀ خود را ببینی و خجالت بکشی.